

## ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

مِنَ الْأَشْعَارِ الْمُنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

از شعرهای منسوب به امام علی علیه السلام

الدَّاءُ وَ الدَّوَاءُ (بیماری و دارو (شفا))

دَوَاؤُكَ	فِيكَ	وَ	مَا تُبْصِرُ	وَ	دَاؤُكَ	مِنْكَ	وَ	لَا تَشْعُرُ
داروی تو	در تو	و	نمی بینی	و	بیماری تو	از تو	و	احساس نمی کنی

داروی تو در وجود خودت است و نمی بینی و بیماری تو از خودت است و احساس نمی کنی.

أَ	تَزَعَمُ	أَنَّكَ	جِرْمٌ	صَغِيرٌ	وَ	فِيكَ	أَنْطَوَى	العَالَمُ	الأَكْبَرُ
آیا	گمان می کنی	که تو	پیکر	کوچک	و	در تو	به هم پیچیده شد	جهان	بزرگ تر

آیا گمان می کنی که تو پیکر کوچکی هستی در حالی که جهان بزرگ تر در تو به هم پیچیده شده است.

النَّاسُ أَكْفَاءُ (مردم همتا هستند.)

النَّاسُ	مِنَ	جِهَةِ	الأَبَاءِ	أَكْفَاءُ	وَ	أَبُوهُمْ	آدَمَ	وَ	الأُمَّ	حَوَاءَ
مردم	از	سمت	پدران	همتایان	و	پدرشان	آدم	و	مادر	حوا

مردم از سمت پدران (پدر و مادر) همتا هستند، پدرشان آدم و مادر[شان]، حواست.

وَ	قَدَّرَ	كُلَّ	أَمْرٍ	مَا كَانُ	يُحْسِنُهُ	وَ	لِلرِّجَالِ	عَلَى	الأَفْعَالِ	أَسْمَاءُ
و	اندازه، ارزش	هر	انسان	چیزی بود	به خوبی انجام می دهد آن را	و	برای مردان	بر	کارها	نامها

و ارزش هر انسانی به چیزی است که آن را به خوبی انجام می دهد و مردان با کارها [یشان] نامهایی دارند.

فَقَرٌّ <sup>(۱)</sup>	بِعِلْمٍ	وَ	لَا تَطْلُبُ	بِهِ	بَدَلًا	فَالنَّاسُ	مَوْتَى	وَ	أَهْلُ	العِلْمِ	أَحْيَاءُ
پس کسب کن	با علم	و	نخواه	با آن	جایگزین	پس مردم	مردگان	و	اهل	دانش	زندگان

پس دانش را کسب کن و جایگزینی برای آن نخواه پس مردم مرده هستند و اهل دانش زنده اند.

الْفَخْرُ بِالْعَفَافِ (افتخار به پاکدامنی)

أَيُّهَا	الْفَاخِرُ	جَهْلًا	بِالنَّسَبِ	إِنَّمَا	النَّاسُ	لِأُمَّ	وَ	لِأَبِ
ای	افتخار کننده	نادانی	به دودمان	فقط، تنها	مردم	برای مادر	و	برای پدر

ای که نابخردانه به دودمان افتخار می کنی مردم فقط از یک مادر و یک پدر هستند.

هَلْ	تَرَاهُمْ <sup>(۲)</sup>	خَلِقُوا	مِنْ	فِضَّةٍ	أُمَّ	حَدِيدٍ	أُمَّ	نَحَاسٍ	أُمَّ	ذَهَبٍ
آیا	می بینی ایشان را	آفریده شدند	از	نقره	یا	آهن	یا	مس	یا	طلا

آیا ایشان را می بینی که از نقره یا آهن یا مس یا طلا آفریده شده اند؟

بَلْ	تَرَاهُمْ	خَلِقُوا	مِنْ	طِينَةٍ	هَلْ	سِوَى	لَحْمٍ	وَ	عَظْمٍ	وَ	عَصَبٍ
بلکه	می بینی ایشان را	آفریده شدند	از	گل، سرشت	آیا	به جز	گوشت	و	استخوان	و	پی

بلکه آنان را می بینی که از گلی آفریده شدند آیا به جز گوشت و استخوان و پی هستند.

إِنَّمَا	الْفَخْرُ	لِعَقْلِ	ثَابِتٍ	وَ	حَيَاءٍ	وَ	عَفَافٍ	وَ	أَدَبٍ
فقط	افتخار	برای خرد	محکم، استوار	و	شرم	و	پاکدامنی	و	ادب

افتخار فقط به خردی استوار و شرم و پاکدامنی و ادب است.

۱. فعل «فَرَّ» با حرف جَرّ «بِ» به معنای «کسب کن، به دست آور» می باشد.

۲. تَرَى + هم = «تَرَاهُمْ»

## واژگان

<p>كَنْزٌ: گنج          كِرَّةُ الْمُنْضَدَةِ: تنیس روی میز          كَأَنَّ: گویی، مانند          لَا تَسْبُوا: دشنام ندهید (ماضی: سَبَّ)          اللَّحْمُ: گوشت          لَعَلَّ: شاید، امید است          لَكِنَّ: ولی          لَيْتَ: ای کاش          ماء: آب          مَا يَلِي: آن چه می آید          مَتَرَدَّدٌ: مُرَدَّدٌ، دودل          الْمُتَّقِينَ: پرهیزکاران          مَرِضٌ: محکم          مَفْسَدَةٌ: مایه تباهی          مَوْتَى: مردگان          مُوَضَّلٌ: رسانا          مَمِيَّتٌ: مرده          أَلْتَحَاسٌ: مس          يَسْتَوِي: مساوی است (ماضی: إِسْتَوَى)          يَدْعُونَ: فرا می خوانند          يُسَارِعُونَ: شتاب می ورزند (ماضی: سَارَعَ)</p>	<p>دَوَاءٌ: دارو          ذَهَبٌ: طلا          ذُو: دارای          الرَّيْبُ: شک          زَعَمَ = گمان کرد (مضارع: يَزَعُمُ)          السَّجْنُ: زندان          سَوِيٌّ: جُزْ          شِرَاءٌ: خریدن          الطَّيْنَةُ: گِل، سرشت          العَضَاةُ: آبیوه گیری          العَافِيَةُ: سلامت          العِرَّةُ: ارجمندی          العَصَبُ: پی، عصب          العَظْمُ: استخوان          فِضَّةٌ: نقره          فَضْلٌ: بخشش          فَرِيقٌ: تیم، گروه          فُزَّ: رستگار شو (ماضی: فَازَ، مضارع: يَفُوزُ)          قَصِيرٌ: کوتاه          قَوْلٌ: گفتار          قِيَمَةٌ: ارزش، اندازه          الكَسَلُ: تنبلی</p>	<p>أَكْفَاءٌ: همتایان          انْطَوَى: به هم پیچیده شد (مضارع: يَنْطَوِي)          امْرِيٌّ: شخص، مرد، انسان          أَبْصَرَ: نگاه کرد (مضارع: يَبْصُرُ)          أَحْيَاءٌ: زندگان          أَشَدُّ: سخت تر          أَعْنَى: بی نیازتر          إِكْرَاهٌ: اجبار          أَحَقُّ: سزاوارتر          أَبْدَلُ: جانشین          بِضَاعَةٌ: کالا          البَغْتُ: رستاخیز          بَيْعٌ: فروختن          تُرابٌ: خاک          تَعْقِلُونَ: خردورزی می کنید          الْجِزْمُ: پیکر          جِهَالٌ: نادانان          الْحَدِيدُ: آهن          الْحَفْلَةُ: جشن          حَيَاءٌ: شرم، حیا          حَيْطٌ: نخ، ریسمان          أَلْدَاءُ: بیماری</p>
---	--	--

أَبْصَرَ = شاهد	زَعَمَ = ظَنَّ، حَسِبَ	شَعَرَ بِ = أَحَسَّ بِ	امْرِيٌّ = انسان	أَب = وَالِد
نگاه کرد	گمان کرد، پنداشت	احساس کرد	انسان، شخص، مرد	پدر
عَافِيَةٌ = صِحَّةٌ، سَلَامَةٌ	قَوْلٌ = كَلَامٌ	بَغْتٌ = قِيَامَةٌ	جِزْمٌ = جِسْمٌ	دَاءٌ = مَرَضٌ
سلامت	گفتار	رستاخیز، قیامت	پیکر	بیماری
أَفْلَحَ = فَازَ	كَتَمَ = سَتَرَ	حَصَلَةٌ = مِيْرَةٌ	سَارَعَ = أَسْرَعَ، عَجَلَ	أَحْسَنُ = خَيْرٌ، أَفْضَلُ
رستگار شد	پنهان کرد	ویژگی	شتاب کرد	بهتر، بهترین
			فَضْلٌ = عَطَاءٌ	خَاشِعٌ = خَاضِعٌ
			بخشش	فروتن

مَوْتَى ≠ أَحْيَاء مردگان ≠ زندگان	صَغِير ≠ كَبِير کوچک ≠ بزرگ	رِجَال ≠ نِسَاء مردان ≠ زنان	خَاشِع، خَاضِع ≠ مُتَكَبِّر فروتن ≠ خود بزرگ بین	آبَاء ≠ أُمَّهَات پدران ≠ مادران	متضاد
فَائِز ≠ خَاسِر، رَاسِب برنده ≠ بازنده، مردود	دَاء ≠ شِفَاء، صِحَّة بیماری ≠ سلامتی	مَمِيَّت ≠ حَيَّ مرده ≠ زنده	جَهْمَال ≠ عُلَمَاء، عُقَلَاء نادانان ≠ دانایان	أَب ≠ أُمُّ پدر ≠ مادر	
أَجْمَل ≠ أَقْبَح زیباتر ≠ زشت‌تر	مُشْتَرِي ≠ بَائِع مشتری، خریدار ≠ فروشنده	شِرَاء ≠ بَيْع خریدن ≠ فروختن	هُنَا ≠ هُنَاكَ این‌جا ≠ آن‌جا	طَوِيل ≠ قَصِير بلند ≠ کوتاه	
لَيْل ≠ نَهَار شب ≠ روز	كَيْدٌ ≠ صِدْق دروغ ≠ راست	مُؤْمِن ≠ كَافِر مومن ≠ کافر	أَبْيَضُ ≠ أَسْوَد سفید ≠ سیاه	إِكْرَاهُ ≠ إِخْتِيَار اجبار ≠ اختیار	
			عِرَّةٌ ≠ ذَلَّةٌ سربلندی ≠ خواری	كَتَمَ، سَتَرَ ≠ أَظْهَرَ پنهان کرد ≠ آشکار کرد	
أَشْعَارُ ← شِعْر شعر	أَسْمَاءُ ← إِسْم نام	أَفْعَالُ ← فِعْل کار	رِجَالُ ← رَجُل مرد	آبَاءُ ← أَب پدر	جمع مکسر
لُحُومُ ← لَحْم گوشت	عِظَامُ ← عَظْم استخوان	أَجْرَامُ ← جِرم پیکر	أَحْيَاءُ ← حَيَّ زنده	مَوْتَى ← مَمِيَّت مرده	
أَحَادِيثُ ← حَدِيث حدیث	بِلَادُ ← بَلَد کشور، شهر	مَدَائِنُ، مَدُنُ ← مَدِينَةٌ شهر	أَعْمَالُ ← عَمَل کار، عمل، رفتار	جَهْمَالُ ← جَاهِل نادان	
مِيَاهُ ← مَاء آب	أَقْوَالُ ← قَوْل گفتار	عُيُوبُ ← عَيْب نهبان	قُلُوبُ ← قَلْب دل	أَفْوَاهُ ← فَم دهان	
				أَكْفَاءُ ← كُفء همتا	

### حَوْلَ النَّصِّ

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و غلط را بر اساس متن درس مشخص کن.) ✓ ✗

- ۱- دَوَاؤُنَا فِينَا وَنَحْنُ نَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَدَاؤُنَا مِنَّا وَنَحْنُ نَشْعُرُ بِهِ. (داروی ما در وجود ماست و ما به آن نگاه می‌کنیم، و درد ما از ماست و ما آن را احساس می‌کنیم.) ✗
- ۲- أَلْفَخْرُ لِلْعَقْلِ وَالْحَيَاءِ وَالْغَفَافِ وَالْأَدَبِ. (افتخار به خرد و شرم و پاکدامنی و ادب است.) ✓
- ۳- طَالِبُ الْعِلْمِ بَيْنَ الْجَهْمَالِ يُشْبِهُ الْمَمِيَّتِ. (طلب‌کننده دانش در میان نادانان به مرده شبیه است.) ✗
- ۴- قِيَمَةُ كُلِّ أَمْرٍ بِأَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ. (ارزش هر انسانی به کارهای خوبش است.) ✓
- ۵- أَلْتَفَاخُرُ بِالنَّسَبِ مَحْمُودٌ. (افتخار کردن به دودمان ستایش شده است.) ✗

## قواعد

## اعلموا (بدانید)

## معانی الحروف المشبهة بالفعل و لا النافية للجنس (معانی حروف مشبّهة بالفعل و لا نفي جنس)

به حروف «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ» حروف مشبّهة بالفعل گویند.

این حروف دارای معانی دقیق و بسیار پرکاربرد هستند.

**نکته** همه این حروف به جز «لَيْتَ» مشدد، یعنی دارای «ت» هستند و این راهی است که «أَنَّ و إِنَّ» را با «أَنْ و إِنَّ» اشتباه نگیرید، هم چنین «كَأَنَّ» را با «كَانَ» اشتباه نگیرید.

## معانی حروف مشبّهة بالفعل

● **إِنَّ:** به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان»؛ این حرف، جمله پس از خود را تأکید می‌کند و معمولاً در ابتدای عبارت می‌آید.

﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ التّوْبَة: ۱۲۰ بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند.

﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ﴾ به درستی که خداوند پروردگار من و پروردگار شماست.

... لَكِنَّ ذَاكِرَةَ الْأَطْفَالِ غَرِيبَةٌ أَوْ قُلٌّ إِنَّ ذَاكِرَةَ الْإِنْسَانِ غَرِيبَةٌ... ولی حافظه کودکان عجیب است یا بگو (بہتر است بگویم) بی‌شک حافظه انسان عجیب است.

● **أَنَّ:** به معنای «که» است؛ دو جمله را به هم پیوند می‌دهد و در وسط عبارت می‌آید.

﴿... قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ الْبَقَرَة: ۲۵۹ گفت می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

قَدْ سَمِعَ أَحْمَدُ أَنَّ صَدِيقَهُ مَرِيضٌ: احمد شنیده است که دوستش بیمار است.

يَعْلَمُ الْأَطْفَالُ أَنَّ الْكِتَابَ نَافِعٌ: کودکان می‌دانند که کتاب سودمند است.

● **كَأَنَّ:** به معنای «گویى» و «مانند» است.

﴿كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ﴾ الرَّحْمَن: ۵۸

آنان مانند یاقوت و مرجان‌اند.

كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ: گویى خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید.

كَانَ الْأَصْدِقَاءُ يَضْحَكُونَ كَأَنَّهُ لَمْ يَخْذُثْ شَيْءٌ: دوستان می‌خندیدند گویى چیزی رخ نداده است (هیچ اتفاقی نیفتاده است).

كَأَنَّ فَصْلَ هَجْرَةِ الطَّيُورِ قَدْ بَدَأَ: گویى فصل مهاجرت پرندگان آغاز شده است.

● **لَكِنَّ:** به معنای «ولی» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خودش است.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ الْبَقَرَة: ۲۴۳ بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیش تر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ قطعاً خدا هیچ (هیچ مقداری) به مردم ستم نمی‌کند ولی مردم خودشان به خویشان ستم می‌کنند.

● **لَيْتَ:** به معنای «کاش» است؛ بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت» هم به کار می‌رود.

﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيلاً﴾ الْتَبَا: ۴۰ و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم!

لَيْتَنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ حَيْدًا: کاش این خانه را خوب ساخته بودم.

● **لَعَلَّ:** به معنای «شاید» و «امید است»، می‌باشد.

﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ الرَّحْف: ۳

بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

اجتهدت كثيرا لَعَلَّ وَالِدِي يَفْرَحَانِ مِنْ نَجَاحِي: بسیار تلاش کردم، شاید که پدر و مادرم از پیروزی من خوشحال شوند.

## تأثیر حروف مشبّهة بالفعل بر اعراب مبتدا و خبر

حروف مشبّهة بالفعل بر سر جملات اسمیه می‌آیند و بر اعراب مبتدا و خبر تأثیر می‌گذارند.

اللَّهُ عَلِيمٌ ← إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

مبتدا و خبر و مرفوع  
و منصوب و مرفوع  
اسم إِنَّ خبر إِنَّ  
و مرفوع

همان‌طور که در مثال بالا مشاهده کردید، مبتدا بعد از آمدن حروف مشبّهة بالفعل بر سر خود، منصوب می‌شود و خبر در حالت مرفوع بودن خود باقی می‌ماند.

**نکته** اسم حروف مشبّهة بالفعل می تواند، اسم ظاهر و یا ضمیر باشد.

لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَتَّجِدُونَ / لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا.

اسم لیت / اسم لیت

**نکته** خبر حروف مشبّهة بالفعل (مانند خبر مبتدا) می تواند «مفرد، جمله و یا شبه جمله» باشد.

إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ. / لَيْتَ وَالِدِي يُرْجَعُ. / عَلِمْتُ أَنَّ النَّجَّاحَ فِي الصَّدَقِ.

خبر لیت (مفرد) / خبر لیت (جمله) / خبر «أَنَّ» (شبه جمله)

### تمرین

□ عيّن اسم و خبر الحروف المشبّهة بالفعل: (اسم و خبر حروف مشبّهة بالفعل را مشخص کن.)

- ۱- إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ أَحَدًا أَبَدًا.
- ۲- لَكِنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَيَاتِكَ أَمْنٌ.
- ۳- إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ.
- ۴- لَيْتَ الطَّلَابَ يَنْجَحُونَ فِي الْمُبَارَاةِ.

### پاسخ

- ۱- الله: اسم «إِنَّ» / لا يظلم: خبر «إِنَّ»
- ۲- نفس: اسم «لَكِنَّ» / أَمْنٌ: خبر «لَكِنَّ»
- ۳- النفس: اسم «إِنَّ» / لَأَمَّارَةٌ: خبر «إِنَّ»
- ۴- الطلاب: اسم «لَيْتَ» / يَنْجَحُونَ: خبر «لَيْتَ»

### نکات

- ۱) ضمایر می توانند به تمام حروف مشبّهة بالفعل، متصل شوند. مانند: إِنِّي، أَنِّي، كَأَنَّهُ، لَيْتَنِي، لَعَلَّكُمْ و ...
  - ۲) گاهی حرف «ما» به حروف «إِنَّ» و «أَنَّ» می چسبد، در این صورت این حروف دیگر به صورت «بی شک، ...» و «که» ترجمه نمی شوند، بلکه معنای «فقط» می دهند و در اعراب جمله اسمیه تغییری ایجاد نمی کنند.
  - ۳) نون وقایه به این حروف متصل می شود. مانند: إِنِّي، وَلَكِنِّي، لَيْتَنِي و ...
- إِنَّمَا الطَّالِبُ الْمُجِدُّ نَاجِحٌ. فقط دانش آموز پرتلاش موفق است. (الطالب: مبتدا / ناجح: خبر)

### تمرین

□ ترجم الحروف المشبّهة بالفعل في العبارات التالية. (حروف مشبّهة بالفعل را در عبارت های زیر ترجمه کن.)

- ۱- لَعَلَّ يَكُونُ قَدْ اشْتَرَى الْكِتَابَ.
- ۲- لَيْتَهُمْ يَكُونُونَ قَدْ عَلِمُوا.
- ۳- لَأَحْظَنُ فَاطِمَةَ أَنَّ الطَّلَابَ يُطَالَعُونَ.
- ۴- ظَنَّ الطَّلَابُ أَنَّ الْأُسْتَاذَ لَا يَأْتِي.
- ۵- إِنَّ وَالِدِي رَأَى مَكَانَ السِّيَاحِ وَالْمَزْرَعَةَ بِيوتًا وَشَوَارِعَ.
- ۶- أَنْتَ لَا تَحِبُّهُ كَأَنَّكَ تَكْرَهُهُ.
- ۷- لَيْتَ كُلِّ طَالِبٍ مُجِدِّ يُقْبَلُ فِي الْجَامِعَةِ.
- ۸- لَعَلَّ الْقَاضِيَّ يُبَيِّنُ الْحَقِيقَةَ.

### پاسخ

- ۱- شاید (امید است)
- ۲- کاش
- ۳- که
- ۴- که
- ۵- همانا
- ۶- گویی
- ۷- کاش
- ۸- امید است

### اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱) (خودت را بیازمای.)

ترجم هاتین الآيتين الكریمتین. (این دو آیه کریمه را ترجمه کن.)

۱- ﴿فَهَذَا يَوْمٌ أَلْبَعَثُ وَ لِكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ الزّوم: ۵۶

پس این، روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید.

۲- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنِيَانٌ مَرْصُوفٌ﴾ الصّف: ۴

قطعا خدا کسانی را که صف بسته در راه او پیکار می کنند دوست می دارد، گویی آن ها ساختمانی استوار هستند.

### اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲) (خودت را بیازمای.)

عَيْنِ اسْمِ الْحُرُوفِ الْمُسَبَّهَةِ وَ حَبَرَهَا: ثُمَّ اذْكُرْ اِعْرَابَهُمَا. (اسم حروف مشبَّهه و خبر آن‌ها را مشخص کن، سپس اعراب آن‌ها را ذکر کن.)  
 ۱- لَيْتَ فَضْلَ الرَّبِيعِ طَوِيلٌ فِي بَلَدِنَا! لِأَنَّ الرَّبِيعَ قَصِيرٌ هُنَا.

فُضِّلَ: اسم «لَيْتَ» و منصوب / طَوِيلٌ: خبر «لَيْتَ» و مرفوع / الرَّبِيعُ: اسم «أَنَّ» و منصوب / قَصِيرٌ: خبر «أَنَّ» و مرفوع  
 ای کاش فصل بهار در کشور ما طولانی باشد! زیرا این‌جا بهار کوتاه است.

۲- كَأَنَّ الْمُشْتَرِيَّ مَتَرَدَّدًا فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ؛ وَلَكِنَّ الْبَائِعَ عَازِمًا عَلَيَّ بَيْعِهَا.

الْمُشْتَرِيَّ: اسم «كَأَنَّ» و منصوب / مَتَرَدَّدًا: خبر «كَأَنَّ» و مرفوع / الْبَائِعَ: اسم «لَكِنَّ» و منصوب / عَازِمًا: خبر «لَكِنَّ» و مرفوع  
 گویی خریدار در خریدن کالا دودل است ولی فروشنده تصمیم به فروشش دارد. (بر فروشش مصمم است).

۳- ابْحَثْ عَنِّ مَعْنَى «الْعَصَاةِ» فِي الْمَعْجَمِ؛ لَعَلَّ الْكَلِمَةَ مَكْتُوبَةٌ فِيهِ.

الْكَلِمَةُ: اسم «لَعَلَّ» و منصوب / مَكْتُوبَةٌ: خبر «لَعَلَّ» و مرفوع

در لغت نامه به دنبال معنی «العصاة» (آبمیوه‌گیری) بگرد؛ شاید کلمه در آن نوشته شده باشد.

### «لا» النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

- جواب: به معنای «نه، خیر» ← در پاسخ به «هَلْ» و «أ» می‌آید. أَ أَنْتَ مِنْ بُحُورٍ؟ لا، أَنَا مِنْ بَيْرَجَنْد.
- نفی فعل مضارع: بر سر فعل‌های مضارع می‌آید. لا يَذْهَبُ: نمی‌رود، لا تَأْكُلُ: نمی‌خوری، نمی‌خورد
- نهی فعل مضارع: بر سر فعل‌های مضارع می‌آید. لا تَذْهَبْ: نرو، لا يَذْهَبْ: نباید برود
- نفی جنس: بر سر اسم می‌آید. لا عِلْمَ لَنَا: هیچ علمی نداریم (برای ما نیست).

انواع «لا»

**نکته** «لا»ی نهی بر سر فعل مضارع اول شخص مفرد و جمع (متکلم وحده و متکلم مع الغير) و سوم شخص مفرد و جمع (مفرد، مثنی و جمع مذکر و مؤنث غائب)؛ معنای «نبايد» می‌دهد.

**مثال** لا يَذْهَبُ: نبايد برود، لا تَذْهَبْ: نبايد برويم، لا يَذْهَبُ عَارِفٌ: عارف نبايد برود.

- در این درس با «لا»ی نفی جنس آشنا می‌شویم. این «لا» فقط بر سر اسم می‌آید. تفاوت آن با «لا»ی نفی و نهی نیز همین است، زیرا آن‌ها بر سر فعل می‌آیند. اسم بعد از «لا»ی نفی جنس به هیچ‌وجه «أل» و تنوین (سُ) نمی‌گیرد و مبنی بر فتح است.  
 ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ الْبَقَرَةُ: ۳۲  
 جز آن‌چه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم.  
 ﴿لَا فِقْرَ أَشَدُّ مِنْ الْجَهْلِ﴾ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
 هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.  
 ﴿لَا كُنْزَ أَعْنَى مِنَ الْقِنَاعَةِ﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ الْكَلْبَلَاءِ  
 هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست.

### پرسش

- ۱- اسم بعد از این «لا» چه حرکتی دارد؟ اسم پس از لای نفی جنس حرکت فتحه دارد و همیشه مبنی بر فتح است.
- ۲- آیا اسم پس از «لا» دارای «ال» است؟ خیر، اسم پس از «لا» هیچ‌گاه «ال» نمی‌گیرد.
- ۳- آیا می‌توانیم بگوییم اسم پس از لای نفی جنس «بدون ال» و «تنوین» و «مفتوح» است؟ بله، اسم پس از «لا»ی نفی جنس معمولاً بدون ال و دارای فتحه است.

**نکته** خبر «لا»ی نفی جنس در صورتی که اسم ظاهر (آشکار) باشد، به شکل مرفوع باقی می‌ماند.

الْعَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ حَسَنٌ. / لا شَيْءٌ أَحْسَنُ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ.  
 مبتدا خبر / اسم لا، نكرة و مفتوح خبر «لا» و مرفوع

**نکته** خبر «لا»ی نفی جنس اغلب به صورت «جاءَ و مجرور» می‌آید؛

لا رَجُلٌ فِي الْحَفْلَةِ. لا ماءَ فِي الْبَيْتِ. لا خَائِنٌ فِي فَرِيقِنَا. لا شَكَّ فِيهِ.

**نکته** گاهی خبر «لا»ی نفی جنس حذف می‌شود.

لا إِلَهَ [مَوْجُودٌ] إِلَّا اللَّهُ. لا شَكَّ [فِيهِ]، لا بَأْسَ [مَوْجُودٌ]

## تمرین

□ عین نوع «لا» في العبارات التالية: (نوع «لا» را در عبارات‌های زیر مشخص کن.)

- ۱- لا رَجُلٌ فِي الدَّارِ وَ عَلَيَّ إِلَّا أَذْخُلُ هُنَا!  
 ۲- أَيُّهَا الزَّمَلَاءُ، لَا تَأْكُلُوا الشَّيْءَ حَارًّا.  
 ۳- لَا حُسْنَ لِلْحَدِيقَةِ فِي فَصْلِ سَقُوطِ الأَوْراقِ.  
 ۴- لَا أَعْلَمُ لِمَاذَا أُصِيبْتُ بِالصَّدَاعِ هَذَا اليَوْمِ!

## پاسخ

- ۱- لا: نفي جنس، أَلَا (أَنْ + لا): نهی (نباید داخل شوم)  
 ۲- لا: نهی  
 ۳- لا: نفي جنس  
 ۴- لا: نفي

## فن ترجمه

## طریقه ترجمه کردن جملات دارای «لَعْلٌ» و «لَيْتٌ»

① هرگاه پس از «لَيْتٌ» و «لَعْلٌ» در جمله، فعل مضارع آمده باشد، فعل مضارع به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

لَعْلٌ حميداً يُسَافِرُ! شاید حميد سفر کند!

لَيْتٌ صديقي يَنْجِحُ في المسابقة! کاش دوستم در مسابقه پیروز شود!

لَيْتَنِي أُشَاهِدُ جَمِيعَ مَدَنِ بلادِي! کاش من همه شهرهای کشورم را ببینم!

② هرگاه پس از «لَيْتٌ» در جمله، فعل ماضی آمده باشد، فعل ماضی را با توجه به جایگاهش در متن، می‌توان به صورت «ماضی استمراری» و «ماضی بعید» ترجمه کرد، ولی برای تسهیل تکلیف دانش آموز در ترجمه این‌گونه جملات، ترجمه به صورت «ماضی استمراری» مطلوب است.

لَيْتَ ناصراً اِنْتَعَدَ عَنِ الكَسَلِ! کاش ناصر از تنبلی، دوری می‌کرد، (دوری کرده بود).

## تمرین

□ تَرْجِمِ العبارات التالية حسب «لَيْتٌ» و «لَعْلٌ»: (عبارت‌های زیر را بر اساس «لَيْتٌ» و «لَعْلٌ» ترجمه کن.)

- ۱- لَيْتَ الطَّلابِ يَدْرُسُونَ جَيِّدًا لِتَقَدُّمِ البلادِ.  
 ۲- لَعْلُنَا نَسْتَمِعُ إِلَى نَصَائِحِ جَدَّنَا حَوْلَ مُواجهَةِ المَشاكلِ.  
 ۳- لَيْتَنِي عَمِلْتُ بِاشْتِياقٍ فِي السَّنواتِ الإبتدائيةِ.  
 ۴- لَعْلَ العلماءِ يَعْملُونَ بِمَا يَكْتُبُونَ فِي كُتُبِهِمِ.

## پاسخ

- ۱- کاش دانشجویان برای پیشرفت کشور خوب درس بخوانند.  
 ۲- امید است (شاید) ما پندهای پدربزرگمان را دربارهٔ روبه‌رو شدن با مشکلات بشنویم.  
 ۳- ای کاش من با اشتیاق در سال‌های ابتدایی کار می‌کردم.  
 ۴- امید است (شاید) دانشمندان به آن چه در کتاب‌هایشان می‌نویسند عمل کنند.

## طریقه ترجمه کردن جملات دارای «لا» ک نفي جنس

● در جملاتی که «لا»ی نفي جنس وجود دارد از «هیچ ... نیست» استفاده می‌کنیم.

به ترجمه عبارت‌های زیر دقت کنید:

لا قول كَالصِّدَاقَةِ: هیچ سخنی مانند راستگویی نیست.

لا إلهَ إِلاَّ اللهُ: هیچ معبودی جز خدا نیست.

لا سيفَ إِلاَّ ذوالفقار: هیچ شمشیری جز ذوالفقار نیست.

نکته هرگاه در عبارتی که «لا»ی نفي جنس هست، فعل به کار رفته باشد در ترجمه، فعل به صورت منفی ترجمه می‌شود.

لا ناجحٌ يَتَكَاسَلُ في الحَيَاةِ: هیچ موفق‌ی در زندگی تنبلی نمی‌کند.

## تمرین

□ تَرْجِمِ العبارات حسب «لا». (عبارت‌ها را بر اساس «لا» ترجمه کن.)

- ۱- لا كتاب في البيت.  
 ۲- لا ريب فيهِ.  
 ۳- لا تَجْعَلُنِي مع القوم الكافرينِ.  
 ۱- هیچ کتابی در خانه نیست.  
 ۲- هیچ شک‌ی در آن نیست.  
 ۳- مرا با گروه کافران قرار نده.

## تمارين كتاب درسى

● التَّمْرَيْنِ الْأَوَّلُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ مَعْجَمِ الدَّرْسِ. (در جای خالی کلمه‌های مناسب برای توضیحات زیر از لغت‌نامه درس قرار بده).

- ۱- أَلْ..... عُنْصُرٌ فِلْزَيِّ كَالْحَدِيدِ مُوَصَّلٌ لِلْحَرَارَةِ وَالْكَهْرِبَاءِ.  
مس عنصری فلزی مانند آهن است که رسانای گرما و برق است.
- ۲- أَلْ..... خَيْطٌ أَبْيَضٌ فِي الْجِسْمِ يَجْرِي فِيهِ الْجِشُّ.  
عصب رشته‌ای سفید در بدن است که در آن حس جریان دارد.
- ۳- أَلْ..... قِسْمٌ مِنَ الْجِسْمِ بَيْنَ الْجِلْدِ وَالْعَظْمِ.  
گوشت قسمتی از بدن میان پوست و استخوان است.
- ۴- أَلْ..... تُرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِالْمَاءِ.  
گل خاکی آمیخته با آب است.
- النُّحَاسُ (مس)  
الْعَصَبُ (عصب، پی)  
اللَّحْمُ (گوشت)  
الطَّيْنُ (گل، سرشت)

● التَّمْرَيْنِ الثَّانِي: اسْتَخْرِجْ مِمَّا يَلِي الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (خواسته شده از تو را از آنچه می‌آید، استخراج کن).

- دَوَاؤُكَ فِيكَ وَ مَا تُبْصِرُ وَ دَاؤُكَ مِنْكَ وَ لَا تَشْعُرُ  
۱- الْمُبْتَدَأُ وَإِعْرَابُهُ: دَوَاؤُ، دَاؤٌ - مرفوع
- أ تَزَعَمُ أَنَّكَ جِزْمٌ صَغِيرٌ وَ فِيكَ أَنْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ  
۲- إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ مَحَلَّةُ الْإِعْرَابِيِّ: الْأَكْبَرُ - صفت و مرفوع
- النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْأَبَاءِ أَكْفَاءُ أَبُوهُمُ آدَمُ وَ الْأُمُّ حَوَاءُ  
۳- الْخَبَرُ وَإِعْرَابُهُ: أَكْفَاءُ، آدَمُ وَ حَوَاءُ - مرفوع
- وَ قَدْرُ كُلِّ امْرِئٍ، مَا كَانَ يُحْسِنُهُ  
۴- الْجَمْعُ الْمُكَسَّرُ: الرِّجَالُ، الْأَفْعَالُ، أَسْمَاءُ
- فَقَرُّ بَعْلِمٍ وَ لَا تَطْلُبُ بِهِ بَدَلًا فَالْنَّاسُ مَوْتَى وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ  
۵- فِعْلٌ نَهْيٌ: لَا تَطْلُبُ
- أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّبْتِ إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمِّ وَ لِأَبِ  
۶- إِسْمُ الْفَاعِلِ: الْفَاخِرُ
- هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ  
۷- الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: خَلِقُوا
- بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ بَسَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ  
۸- الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ: تَرَى
- إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ  
۹- الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ: لِعَقْلِ

● التَّمْرَيْنِ الثَّلَاثُ: إِثْلًا الْفَرَاغَ فِي تَرْجَمَةٍ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ «لَا» فِيهِ. (جای خالی را در ترجمه آن چه می‌آید پر کن، سپس نوع «لا» را در آن مشخص کن).

- ۱- ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾ الْأَنْعَامُ: ۱۰۸ دشنام ندهید - لا: نهی  
و کسانی را که غیر خدا را فرا می‌خوانند ..... که به خدا دشنام دهند ...



﴿ التَّمَرِينُ السَّادِسُ ﴾: عَيَّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَاتِ؛ ثُمَّ عَيَّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحُمْرَاءِ.

(اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم مكان و اسم تفضيل را در این عبارتها مشخص کن؛ سپس ترجمه کلمات قرمز را مشخص کن.)

اسم مکان: الْمَسْجِدُ / اسم تفضیل: الْأَقْصَى

۱- ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أُنشِئَ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ [الإشراء: ۱]

حرکت داد شبانه

(پاک است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانه از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی حرکت داد.)

اسم تفضیل: أَحْسَنُ، أَعْلَمُ

۲- ﴿وَ جَادِلْهُمْ بَاتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ [النحل: ۱۲۵]

بحث کن گم شده

(و با آنان با [شیوه‌ای] که نکوتر است بحث کن. قطعاً پروردگارت به [حال] کسی که از راهش گم شده، داناتر است.)

اسم تفضیل: أَعْلَمُ

۳- ﴿...﴾ [يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ] [آل عمران: ۱۶۷]

دهان‌ها پنهان می‌کنند

(با دهان‌هایشان (زبان‌هایشان) چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آن چه پنهان می‌کند داناتر است.)

اسم مبالغه: أَمَّارَةٌ

۴- ﴿وَ مَا أَزِيدُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي...﴾ [يوسف: ۵۳]

بی‌گناه نمی‌شمارم بسیار دستوردهنده

(و نفسم را بی‌گناه نمی‌شمارم؛ زیرا نفس، بسیار دستوردهنده به بدی است؛ مگر این‌که پروردگارم رحم کند.)

اسم فاعل: الْمُؤْمِنُونَ، خَائِعُونَ

۵- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَائِعُونَ﴾ [المؤمنون: ۱ و ۲]

رستگار شده‌اند فروتنان

(به راستی که مؤمنان رستگار شده‌اند، همانان که در نمازشان فروتن‌اند.)

اسم مبالغه: عَلَّامٌ

۶- ﴿...﴾ [قَالُوا لَا عَلَمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ] [المائدة: ۱۰۹]

بسیار دانا

(گفتند: هیچ دانشی نداریم؛ قطعاً تو بسیار دانای نهران‌ها هستی.)

اسم فاعل: الْمُحْسِنِينَ

۷- ﴿...﴾ [وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ] [البقرة: ۱۹۵]

نیکی کنید

(و نیکی کنید؛ زیرا خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.)

اسم مفعول: مَحْفُوظًا

۸- ﴿وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا...﴾ [الأنبياء: ۳۲]

قرار دادیم

(و آسمان را سقفی نگه داشته شده قرار دادیم.)

## سؤالات امتحانی درس

### مهارت واژه‌شناسی

الف) تَرْجِمِ مَا تَحْتَهُ خَطًّا: (آن چه زیرش خط است را ترجمه کن.)

- ۱- التَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْأَبَاءِ أَكْفَاءٌ. ....
- ۲- قِيمَةٌ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ. ....
- ۳- دَاوُدُ مِنْكَ وَ لَا تَشْعُرُ بِهِ. ....
- ۴- أَتَزَعَمُ أَنَّكَ جِزْمٌ صَغِيرٌ. ....
- ۵- فِيكَ أَنْطَوَى الْعَالَمِ الْأَكْبَرِ. ....
- ۶- قُرْ يَعْلَمُ وَ لَا تَطْلُبُ بِهِ بَدَلًا. ....
- ۷- أُمُّ حَدِيدٍ أُمُّ نَحَاسٍ أُمُّ ذَهَبٍ. ....
- ۸- تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ. ....
- ۹- هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ. ....
- ۱۰- فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ. ....
- ۱۱- كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ. ....
- ۱۲- إِحْتَتْ عَنْ مَعْنَى «الْعَصَاةُ». ....
- ۱۳- هَذَا عَنَصْرٌ مَوْضَلٌ لِلْحَرَارَةِ وَ الْكَهْرِبَاءِ. ....
- ۱۴- لَا رِيْبَ فِيهِ. ....
- ۱۵- لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ. ....
- ۱۶- الْعَصَبُ خَيْطٌ أبيضٌ فِي الْجَسْمِ. ....
- ۱۷- هُمُ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ. ....
- ۱۸- لَا تَغْضَبُوا، الْعَصَبُ مَفْسُدَةٌ. ....
- ۱۹- إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ. ....
- ۲۰- ﴿وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا﴾. ....

ب عین المترادف و المتضاد للكلمات التالية في الجدول: (مترادف و متضاد کلمات زیر را در جدول مشخص کن.)

-۲۱

سَتَرَ - أَب - نساء - ظَنَّ - أحياء - الدواء - الصَّحَّة - خاسِر - خَيْر - فازَ

الشفاء = ..... والد = ..... أموات ≠ ..... كَتَمَ = ..... أفلحَ = .....  
فائز ≠ ..... زَعَمَ = ..... رجال ≠ ..... أَحْسَنَ = .....

ج أَكْثَبُ مفرد أو جمع الكلمات التالية: (مفرد یا جمع کلمات زیر را بنویس.)

-۲۲

موتى مفرد ..... عَظُمَ جمع ..... جِزْمُ جمع .....  
أعصاب مفرد ..... جاهل جمع ..... بضائع مفرد .....  
حَيٌّ جمع ..... أب جمع ..... لُحُوم مفرد .....

د عین الكلمة الغريبة في كل مجموعة: (کلمه ناهما هنگ در هر مجموعه را مشخص کن.)

- ۲۳- نحاس  ۲۴- جزم  ۲۵- داء  ۲۶- أحسن   
 ۲۳- حَدِيد  ۲۴- جِسْم  ۲۵- مَرَض  ۲۶- أَفْضَل   
 ۲۳- حَدَاد  ۲۴- بَدَن  ۲۵- وَدَّ  ۲۶- أَكْبَر   
 ۲۳- دَهَب  ۲۴- اِنَّم  ۲۵- أَلَم  ۲۶- خَيْر

### مهارت ترجمه به فارسی

ه ترجم العبارات التالية إلى الفارسية: (عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.)

- ۲۷- قِيمَةٌ كُلُّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ بِعُنَى قَدْرَهُ بِأَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ الَّتِي يَفْعَلُهَا.  
 ۲۸- دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَ مَا تُبْصِرُ / وَ دَاوُوكَ مِنْكَ وَ لَا تُشْعِرُ  
 ۲۹- لِيَتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ مَدُنِ بِلَادِي إِيرَانَ.  
 ۳۰- فَرَّ يَعْلَمُ وَ لَا تَطْلُبُ بِهِ بَدَلًا / فَالْتَأَسْ مَوْتِي وَ أَهْلَ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ  
 ۳۱- قَدَّرَ كُلُّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ / وَ لِلرَّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ  
 ۳۲- لَعَلَّ وَالِدِي يُسَافِرُ لِمَهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ إِلَى مَحَافِظَةِ إِصْفَهَانَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ شَهْوَرٍ.  
 ۳۳- إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ / وَ حَيَاءٌ وَ عِفَافٍ وَ أَدَبٍ  
 ۳۴- لَيْتَ فَضْلَ الرَّبِيعِ طَوِيلٌ فِي بِلَدِنَا لِأَنَّ الرَّبِيعَ قَصِيرٌ هُنَا.  
 ۳۵- يُسْتَعْمَلُ فِي الصَّنَاعَةِ فِلْزٌ مُوَصَّلٌ لِلْحَرَارَةِ وَ الْكَهْرِبَاءِ.  
 ۳۶- لَا يَزَحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَزَحَمُ النَّاسَ.  
 ۳۷- «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»  
 ۳۸- أَبُو النَّاسِ آدَمُ وَ أُمَّهُمُ حَوَاءُ وَ هُمُ مِنْ جِهَةِ الْأَبَاءِ أَكْفَاءُ.  
 ۳۹- لَا شَيْءَ أَحْسَنَ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ.  
 ۴۰- لَيْتَ مَهْدِيًّا يَفُوزُ فِي مَسَابِقَةِ كُرَةِ الْمَنْضَدَةِ.  
 ۴۱- «قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

و عین الصحیح في الترجمة: (درست را در ترجمه مشخص کن.)

۵۶- «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ صَلِّ عَلَى الَّذِينَ يَخْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ...»

۱) ای پیامبر ﷺ کسانی که در کفر می‌شتابند تو را غمگین می‌کنند.

۲) ای پیامبر ﷺ کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند تو را نباید غمگین کنند.

۵۷- كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَ لَا بَرَكَةٌ فِيهِ.

۱) هر خوراکی که نام خدا بر آن یاد نشود، فقط بیماری است و هیچ برکتی در آن نیست.

۲) هر غذایی که نام خداوند بر آن برده نمی‌شود یک بیماری است و نه برکتی در آن هست.

۵۸- «وَقَوْلُ الْكَافِرِ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا»

(۱) و کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم.

(۲) و کافر می‌گوید شاید من خاک بوده‌ام.

۵۹- «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»

(۱) این کتاب که شکی در آن وجود ندارد هدایت برای پرهیزگاران است.

(۲) آن کتاب هیچ شکی در آن نیست هدایتی برای پرهیزگاران است.

**ز** **إِمْلَأِ الْفَرَغَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ:** (جاهای خالی در ترجمه را پر کن.)

۶۰- «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»

..... اجباری در دین .....

۶۱- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بِنِيَانٍ مَّرْضُوصٍ»

..... خدا کسانی را ..... که ..... در راه او پیکار می‌کنند ..... ساختمان‌ی ..... هستند.

۶۲- «فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

پس این روز ..... است ولی شما .....

۶۳- «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَىٰ»

..... آن [خدایی] که بنده‌اش را ..... از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی ..... .

**ح** **عَيِّنِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْفَرَغَاتِ:** (ترجمه درست را برای جاهای خالی مشخص کن.)

۶۴- «وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»

و نفسم را ..... (گناهکار می‌شمارم  بی‌گناه نمی‌شمارم ); زیرا (همانا) نفس، ..... (دستور می‌دهد  بسیار دستوردهنده ). به بدی است، مگر این‌که پروردگارم رحم کند.

۶۵- «... قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»

... گفتند: ..... (همه دانش‌ها را داریم  هیچ دانشی نداریم ); ..... (قطعاً تو  زیرا (همانا) تو ). بسیار دانای نهان‌ها هستی.

۶۶- «وَوَجَدْتُهُم بِاللَّيْلِ هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ»

و با آنان با [شیوه‌ای] که ..... (خوب  نکوتر ). است بحث کن. قطعاً پروردگارت به [حال] کسی که از راهش گم شده ..... (داناتر  آگاه ). است.

### مهارت شناخت و کاربرد قواعد

**ط** **تَرَجِمِ الْأَفْعَالَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ حَسَبَ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ:** (فعل‌ها را در عبارات‌های زیر براساس حروف مشبّهه بالفعل ترجمه کن.)

۶۷- لَيْتَ أُخْتِي تَنْجَحَ فِي الْمُبَارَاةِ. .... ۶۹- «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» .....

۶۸- لَعَلَّ فَرِيقَنَا يَلْعَبُ جَيِّدًا الْيَوْمَ. .... ۷۰- لِيَتَّكِمَ يَتَعَدَّثُمْ عَنِ الْكَسْلِ فِي الْحَيَاةِ. ....

**ی** **عَيِّنِ اسْمَ وَ خَبَرَ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ:** (اسم و خبر حروف مشبّهه بالفعل را مشخص کن.)

۷۱- إِنَّ التَّفَاخَرَ بِالتَّسَبُّبِ قَبِيحٌ. اسم: ..... / خبر: ..... ۷۳- لَعَلَّ حَمِيدٌ يَنْجَحُ فِي الْمَسَابَقَةِ. اسم: ..... / خبر: .....

۷۲- كَأَنَّ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ. اسم: ..... / خبر: ..... ۷۴- لَيْتَ فَاطِمَةَ مُجَدِّدَةً فِي آدَاءِ الْفَرَائِضِ. اسم: ..... / خبر: .....

**ک** **عَيِّنِ نَوْعَ «لَا» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:** (نوع «لا» را در عبارات‌های زیر مشخص کن.)

۷۵- دَاوُدُكَ مِنْكَ وَلَكِنَّكَ لَا تَشْعُرُ. .... ۷۷- لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ. ....

۷۶- هَلْ أَنْتَ مِنْ بَجُنُورٍ؟ لَا، أَنَا طَهْرَانِيٌّ. .... ۷۸- لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا. ....

**ل** **عَيِّنِ اسْمَ وَ خَبَرَ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ وَ ادْكُرْ اِعْرَابَ خَبْرِهِ:** (اسم و خبر «لا»ی نفی جنس را مشخص کن و اعراب خبر آن را نام ببر.)

۷۹- لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ. اسم: ..... / خبر: .....

۸۰- لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ. اسم: ..... / خبر: .....

۸۱- هَذَا دِينُ اللَّهِ، لَا رَيْبَ فِيهِ. اسم: ..... / خبر: .....

۸۲- لَا كُنْتُ أَعْنَىٰ مِنَ الْقَنَاعَةِ. اسم: ..... / خبر: .....



ر **اقرأ الأبيات التالية ثم أجب عن الأسئلة:** (بیت های زیر را بخوان سپس به سؤالات پاسخ بده.)

«أَيُّهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ  
هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ  
بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ  
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ  
وَحَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ»

۱۱۱- بما يفتخر الفاحش جهلاً؟

- (۱) الأَمّ و الأب  (۲) النَّسَب  (۳) المال و الثروة  (۴) العقل الثابت

۱۱۲- عَنِ الْخَطَا:

- (۱) يكونُ النَّاسُ لِأَمٍّ وَ لِأَبٍ وَاحِدٍ.  (۲) نحنُ قَدْ خَلَقْنَا مِنْ تُرَابٍ مُخْتَلِطٍ بِالمَاءِ.  (۳) الْفَاحِشُ بِالنَّسَبِ مُتَّجَاهِلٌ.  (۴) الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ ادَبٍ.

۱۱۳- عَنِ الْبَيْتِ الْقَرِيبِ لِمَفْهُومِ الْأَبْيَاتِ:

- (۱) مَنْ زَرَعَ الْعَدَوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.  (۲) لَا تَقُلْ أَصْلِي وَ فَصْلِي أَدْبًا / إِنَّمَا أَصْلُ الْفَتَى مَا قَدْ حَصَلَ  (۳) مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي.  (۴) عِنْدَ السَّدَائِدِ يُعْرِفُ الْإِخْوَانَ.

۱۱۴- ما هو قصيد الشاعر من البيت الثالث؟

- (۱) قيمة الإنسان  (۲) تحقير الإنسان  (۳) خلقة الإنسان من الطين.  (۴) خلقة الإنسان من اللحم و العظم و العصب.

ش **اقرأ النّص التالي ثم أجب عن الأسئلة:** (متن زیر را بخوان سپس به سؤالات پاسخ بده.)

«إِنَّ الصِّفَةَ الْأَسَاسِيَّةَ لِلْإِنْسَانِ لَيْسَتْ ثَرَوَتُهُ أَوْ نَسَبُهُ بَلْ قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ بِعَقْلِهِ وَ حَيَاءِهِ وَ عَفَافِهِ وَ أَدَبِهِ وَ فِي الرُّوحِ الَّتِي تُسَيِّطِرُ عَلَى جَرِمِهِ الصَّغِيرِ. عَلَيْنَا أَنْ نَتَذَكَّرَ الْآيَةَ «خَلَقَ الْإِنْسَانَ صَعِيفًا» لِمَنْ يَفْخَرُ جَهْلًا بِنَسَبِهِ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينَةٍ وَ لَيْسَ إِلَّا لَحْمًا وَ عِظْمًا وَ عَصَبًا.»

۱۱۷- مِمَّ خُلِقَ الْإِنْسَانُ؟

۱۱۵- ما هي قيمة الإنسان؟

۱۱۸- ما هو أجزاء جسم الإنسان حسب النص؟

۱۱۶- ماذا نتذكر حسب النص؟

### مهارت مکالمه

ت **أجب عن السؤالات:** (به سؤالات پاسخ بده.)

۱۲۱- أَيُّ فَصْلِ تُحِبُّ (تُحِبِّينَ)؟

۱۱۹- هَلْ تَعْرِفُ (تَعْرِيفِينَ) دَاءً؟ أَدَكُرُّ (أَدَكُرِّي)

۱۲۰- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ (أَنْتِ)؟

## پاسخ سؤالات امتحانی درس

۱۱۱. ساختمان - استوار، محکم  
 ۱۱۲. آبمیوه گیری  
 ۱۱۳. رسانی - برق  
 ۱۱۴. شک  
 ۱۱۵. سزاوارتر - زندان  
 ۱۱۶. رشته  
 ۱۱۷. شتاب می ورزند  
 ۱۱۸. مایه تباهی  
 ۱۱۹. بسیار دستور دهنده  
 ۱۲۰. نگه داشته شده

۱. همتایان  
 ۲. ارزش - انسان، شخص  
 ۳. بیماری  
 ۴. گمان می کنی - پیکر  
 ۵. به هم پیچیده شد  
 ۶. جانشین  
 ۷. آهن - مس  
 ۸. گل، سرشت  
 ۹. جز - گوشت - استخوان - پی، عصب  
 ۱۰. روز رستاخیز